



مصاحبه رادیو با منصور حکمت درباره ترورهای اخیر در ایران

صفحه ۲

مرکه گیری یک شوونیست اسلامی ملتزم به ولایت فقیه!

علی جوادی
صفحه ۴

صفحه حزب رویدادهای ایران "حقوق بشر" و پلیس اش!

صفحه ۳
صفحه ۴
صفحه ۴

موج گسترده اعتراض در داخل و خارج کشور علیه جنایات جمهوری اسلامی

قتل فجیع داریوش فروهر و پروانه اسکندری و بدنبال آن ربودن و کشتن محمد مختاری و محمد جعفر پوینده توسط آدمکشان جمهوری اسلامی موج گسترده ای از اعتراض شدید در داخل و خارج کشور علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برانگیخت. در تظاهرات متعدده و در جریان تشییع جنازه قربانیان این آدمکشی ها مردم معترض خشم و نفرت خود علیه رژیم را به شیوه های مختلف و از جمله با دادن شعار علیه استبداد و برای آزادی ابراز داشتند. در خارج کشور توده وسیع ایرانیان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی، با خشم و هیجان بیسابقه ای به اعتراض علیه رژیم برخاستند. طی چند هفته گذشته آکسیونها و تظاهرات اعتراضی متعددی در نقاط مختلف جهان از جمله توسط تریبونال بین المللی برای محاکمه جمهوری اسلامی، کانون نویسندگان ایران در تبعید، حزب کمونیست کارگری ایران و جریانهای دیگر اپوزیسیون برپا گردید. این جوشش اعتراضی همچنان ادامه دارد.

ساکت نشینید

تروریسم رژیم اسلامی ایران را قاطعانه پاسخ دهیم!

در هفته های اخیر جوخه های مرگ حکومت اسلامی بر شدت جنایات خود افزوده اند. اکنون روزی نیست مخالفی را نندزدند و به شیوه ای فجیع به قتل نرسانند. بعد از فروهرها، مجید شریف و محمد مختاری، محمد جعفر پوینده را هم ربودند و کشتند. اما مجرمین اصلی این جنایات چه کسانی هستند؟

همه مجرمین را می شناسند. فرمانده سپاه پاسداران رژیم که رسماً تهدید کرده است گردن میزند و زبان میبرد، الله کرمها و انصار حزب الله، سید علی خامنه ای و دیگر دارو دسته های جنایتکار و تروریست رژیم ۲۰ سال است که تهدید میکنند و فتوا میدهند و میکشند. در تمام بیست سال حاکمیت خود کاری جز این نکرده اند. چه کسی اینها را نمی شناسد! خاتمی و دار و دسته اش که دم از پیگیری و شناسائی عاملین این قتلها میزنند، و طرفداران خاتمی در داخل و خارج که هدف این قتلها را چوب لای چرخ خاتمی گذاشتن معرفی میکنند ابلهانه میخواهند جمهوری اسلامی را از زیر ضرب بدر ببرند. جمهوری اسلامی نمیخواهد قاتلان را دستگیر کند. قاتلان خود بخشی از رژیم اند. رژیم جمهوری اسلامی و دارو دسته جنایتکار خامنه ای - رفسنجانی - خاتمی سازمانده و مسئول مستقیم ترورهای اخیر هستند.

مردم حکم به سرنگونی رژیم داده اند و حفظ حاکمیت رژیم و همه جناح هایش در گرو ارباب و خفقان بازهم بیشتر است، در گرو وجود جوخه های مرگ و گله های حزب الله است. بدون اینها رژیم اسلامی یک روز هم دوام نمیآورد. ادامه حاکمیت منحوسش به وجود اینها گره خورده است.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران همه مهاجرین ایرانی و مردم آزادیخواه را به تشدید مبارزه علیه جنایات رژیم و برچیدن بساط رژیم از خارج کشور فرا میخواند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ دسامبر ۹۸

از صفحه حزب در اینترنت دیدن کنید
<http://www.wpiran.org>



WANTED آکسیونهای حزب کمونیست کارگری در خارج کشور در اعتراض به جنایات رژیم اسلامی:

انگلستان: اشغال دفتر مرکزی هواپیمائی جمهوری اسلامی، لندن

آلمان: اشغال دفاتر احزاب حاکم در پنج شهر

سوئد: اشغال دفتر هواپیمائی (همراه شماری از فعالین کمونیست و چپ) در استکهلم،

اشغال دفتر روزنامه داگنز نیهرتر در استکهلم، تظاهرات اعتراضی در مالمو

فنلاند: اشغال دفاتر احزاب حاکم در هلسینکی

کانادا: تظاهرات در برابر سفارت رژیم اسلامی در اوتاوا
صفحه ۳
مصطفی صابر

موشکهای کروز، لاشخورها و نظم نوین!

مردم عراق که سالهاست با بی غذایی، بی دارویی و دیکتاتوری سپاه رژیم بعث دست و پنجه نرم میکنند، اکنون بار دیگر در آتش مهیب موشکهای کروز میسوزند. رسانه ها با هیجان دست بهم میسایند تا همان نقش پلیدی را که در زمان جنگ خلیج بعهدده داشتند، مجددا ایفاء کنند. برخی از این لاشخورها این جنگ جنایت آمیز را "آتش بازی بر فراز بغداد" میخوانند. انسانهای شریف در سراسر دنیا، میلیاردها، ناباورانه و با دلهره بر آنچه که ارتشهای مدرن بورژوازی میتواند بر سر مردم بیاورد نظاره میکنند. این است سمبل عصر سیاهی که مشخصه آن کشتار و تحقیر انسانها زیر لوای مذهب، ناسیونالیسم، و "نظم نوین جهانی" است. این است پرده دیگری از آنچه "پیروزی دموکراسی" و "پایان تاریخ" خواندندش. اما در این پرده اخیر، به جای تفاوتی وجود دارد. به جای

تروریسم دولتی در شنیع ترین شکل

حملات جنایتکارانه آمریکا و انگلستان به مردم عراق محکوم است.

دولتهای آمریکا و انگلستان بار دیگر تخریب و کشتار در عراق را از سر گرفته اند. در ظرف چند ساعت بیش از ۲۰۰ موشک کروز به بغداد و سایر شهرهای عراق اصابت کرده است. توجیهات دول مهاجم و رسانه های مزدورشان مذبوحانه و آبرویافته است. قربانی این حملات نه رژیم ارتجاعی و ضد مردمی عراق، نه حکومت منفور صدام حسین، بلکه مردم بی دفاع و کودکان بیگناه عراقند که ۸ سال است توسط مهلک ترین سلاح کشتار جمعی، یعنی تحریم اقتصادی جنایتکارانه غرب به فقر و مرگ کشیده شده اند و اکنون تتمه خانه و شهر و بیمارستان و مدرسه شان با خاک یکسان میشود.

این حملات ربطی به مساله سلاحهای تخریب و کشتار جمعی ندارد. دولتهای مهاجم خود اصلی ترین تولید کنندگان، صادر کنندگان و بکار بردگان این سلاحها در جهان هستند. هنوز زخم هیروشیما و ناکازاکی بر پیکر بشریت التیام نیافته است، هنوز ویتنام از اثرات بمباران های شیمیایی مهیب آمریکا کمر راست نکرده است.

آنچه اینان امروز با مردم عراق میکنند تروریسم دولتی و قداره بندی بین المللی در شنیع ترین و زنده ترین شکل آنست. این حملات مبارزه طبقه کارگر و مردم عراق برای خلاصی از رژیم ارتجاعی حاکم را سالها به عقب میکشد. این حملات چنگال رژیم عراق و ناسیونالیسم مرتجع عرب را بر زندگی مردم عراق محکم تر میکند.

این حملات ضد انسانی باید فوراً متوقف شود. حزب کمونیست کارگری ایران، همه کارگران، کمونیستها و مدافعان آزادی در منطقه را به مقابله با این حملات و سیاست ضد انسانی آمریکا و انگلستان در قبال مردم عراق فرامیخواند. حزب کمونیست کارگری ایران خواهان لغو فوری تحریم اقتصادی جنایتکارانه غرب علیه عراق است. حزب کمونیست کارگری ایران دوشادوش حزب کمونیست کارگری عراق برای سرنگونی رژیم ارتجاعی عراق و برپایی یک جامعه سوسیالیستی آزاد و انسانی مبارزه میکند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ نوامبر ۱۹۹۸

بر آن حکم برانند؟ اینها سولاتی است که با قوتی فزاینده طرح میشوند. از خلال صدای دهشتناک کروزها و هیاهوی لاشخورها، صدای اعتراض و عدالتخواهی را هم میتوان شنید. این صدا باید چنان پر طنین شود که نه فقط این جانیان از "آتش بازی" جنایتکارانه شان سریعاً دست بردارند، نه فقط به محاصره اقتصادی مردم عراق فوراً خاتمه داده شود، بلکه باید کاری کرد که جرئت نکنند بار دیگر زندگی مردم را چنین رذیلانه به بازی بگیرند. به این جنگ با تمام قوا اعتراض کنید!

۱۸ دسامبر ۹۸

دهه ۹۰ فقط دهه تاخت و تاز بازار آزاد و انواع ارتجاع نبود. دهه چشم بازکردن میلیاردها انسان به مسائل اساسی و حساس پیشروی جامعه جهانی هم بود. آشفتهگی در صف بورژواها و "نظم نوین"شان انعکاسی از بیزاری میلیونی انسانها از سرنوشتی است که سرمایه داری برای جهان مقدر کرده است. چرا نشود دنیایی فارغ از حاکمان دمکرات، سوسیال دمکرات، جمهوریخواه، محافظه کار، دیکتاتورهای ناسیونالیست، قوم پرست و اسلام پرست داشت؟ چرا نباید دنیایی داشت که به جای پول و موشکهای کروز و لاشخورهای مطبوعاتی، احترام و عشق، تعاون و خود انسانها

مصاحبه رادیو اترناسیونال استگهلم با منصور حکمت درباره ترورهای اخیر در ایران

رادیو اترناسیونال: در عرض یک هفته اخیر موارد دیگری از ترورهای جمهوری اسلامی را شاهد بوده ایم. ابتدا محمد مختاری و، بنا به اخباری که امروز شنیدیم، محمد جعفر پوینده، فقط یکی دو هفته بعد از قتل فروهرها. سایه ترورهای گسترده بر سر جامعه ایران سنگینی میکند، صحبت از یک لیست ۷۰_۶۰ نفره است. از طرف دیگر مراجع رسمی دولتی اظهار تاسف میکنند، ادای پیگیری و ”کی بود کی بود“ در میآورند و میخواهند نشان بدهند که دنبال ماجرا هستند. این چه سناریویی هست در فضای سیاسی الان ایران؟ (منصور حکمت: یعنی منظورتان اینست که پشت این قتلها چی هست؟) بله، چه هدفی دنبال میشود؟

منصور حکمت: خیلی روشن است، این دعوا قدیمی تر است. دعوا از ابتدا سه طرف داشت: یک طرف مردم هستند در مقابل کل رژیم اسلامی و یک دعوای فرعی هم در خود حکومت هست بین جناحهای طرفدار خشونت بیشتر و تشدید اختناق و جناحهایی که ترجیح میدهند یا فکر میکنند میتوانند با یک درجه گشایش و یک درجه سازش با بخشهایی از ناراضیان، به عمر جمهوری اسلامی تداوم بیشتری بدهند. این قتلها بنظر من دعوای حکومت با مردم است و هدف آن مرعوب کردن مردم است، هدف ترساندن مردم از ابراز ناراضیاتی است، ساکت کردن کسانی است که با حکومت بهر درجه حتی خفیف، حتی در چارچوب مجاز و صوری خودِ قوانین حکومت، اعلام ناراضیاتی میکنند. تصویری که میخواهند بدهند اینست که قاتلین یک عده آدم متمدن و یک باندهای مرگ در بیرون حکومت هستند. منتها خیلی روشن است که این جوخه های مرگ سرشان به خود حکومت وصل است، به خود خامنه ای، به جناحهایی که خودشان دارند اعلام میکنند حاکم مرگ مخالفین را داده اند. روزنامه شلمچه را باز کنید می بینید الله کرم هر روز دارد میگوید که باید اینها را کشت. لیست شان هم خیلی روشن است. از خود صفحات شلمچه میتوانید پیدا کنید چه کسانی را میخواهند بکشند. رئیس سپاه پاسداران به همین ترتیب میگوید که باید چکار بکنند، درنتیجه جای تردیدی نیست که این قتلها کار کیست و هدف آن چیست. هدف مرعوب کردن مردم و خفه کردن روندی است که میدانند شروع شده و پایشان سرنگونی جمهوری اسلامی است.

رادیو اترناسیونال: مسئولیت این اوضاع و احوال با کیست؟ هم در صحبتهای شما الان هم در اطلاعاتیه دفتر سیاسی بطور خیلی مشخص و با اسم، خامنه ای_رفسنجانی_خاتمی مسئول این ترورها اعلام شده اند. هدف از این مشخص سازی چیست؟

منصور حکمت: آنچه ما میخواهیم بگوئیم اینست که تا آنجا که به مردم ایران مربوط میشود جمهوری اسلامی حکومتی یکپارچه است و خفقانی که هست محصول کل این حاکمیت است. اینطور نیست که گویا یک جمهوری اسلامی بد و یک جمهوری اسلامی خوب دارند کنار هم همزیستی میکنند و قربانیان همه

مربوط به ”جمهوری اسلامی بد“ هستند و یک جمهوری اسلامی خوبی هم هست که گویا نمی تواند، یا قدرت این را ندارد که جلوی آنها را بگیرد. منفعت اینها هم ایجاب میکند که جمهوری اسلامی سر کار باشد و درست همین وجود جمهوری اسلامی است که مردم نمیخواهند. مردم ایران جمهوری اسلامی نمیخواهند. مردم ایران حکومتی میخواهند که مطابق انتظار مردم این قرن باشد. آخر قرن بیست است، مردم دارند دنیا را می بینند، حکومت اسلامی یک وصله ناجور بر پیکر این جامعه است. پدیده بسیار شنیع و کثیفی است که معلوم است مردم نمیخواهندش. آقای خاتمی اگر فکر کند در بیرون چارچوب جمهوری اسلامی میتواند پرزیدنت چیزی بشود حتما اشتباه میکند. ولی خودش هم اینطور فکر نمیکند. میدانم جمهوری اسلامی باید بماند. حداکثر کاری که جناح خاتمی ممکن است از جناح خامنه ای انتظار داشته باشد اینست که اینقدر حرکات رژیم زمخت و خشن و شنیع بنظر نیاید و به شکل قابل خوراندن تری پیاده شود. من فکر نمیکنم برای مثال طرفداران خاتمی از نقشه قتل فروهرها باخبر بودند چون اگر باخبر بودند به فروهر خبر میدادند تا جایش را خالی کند و خودش را در ببرد. ولی این از جناح خاتمی سلب مسئولیت نمیکند، برای اینکه خاتمی رئیس قوه مجریه دولتی است که در آن دارند سر میبرند و سنگسار میکنند. در قانون بین المللی و در هر چارچوب حقوقی، مسئول یک دولت، مسئول حکومت، مسئول اتفاقاتی است که به اسم آن حکومت و توسط اقدامهای آن حکومت در آن جامعه دارد صورت میگیرد. خیلی باید حلقه ارفاق گشاد شده باشد که کسانی خاتمی را جزء لیست مسببین این وضعیت ندانند، حتی اگر خودش بیخبر بوده باشد. شخصا فکر میکنم جناحی که میخواهد ترور کند، قبلا ساعت و روز ترور را به خاتمی خبر نمیدهد، چون میدانند خبر درز میکند و اختلاا قربانی فرار میکند. منتها این چیزی را از مسئولیت او کم نمیکند. این حکومت اسلامی است و اینها هم سرانش هستند. همانطور که ما هیچ وزیر هیتلر را بخاطر اینکه یک درجه نسبت به قربانیان نظام فاشیستی انتظار اعتدال بیشتری داشته را از مسئولیت جنایات فاشیسم هیتلری معاف نمیکنیم. الان هم مسخره است کسی یکی از آخوندهای حاکم بر آن مملکت را مستثنی بکند. بحث ما اینست این کار حکومت جمهوری اسلامی است. در هر دادگاه بین المللی میشود این را ثابت کرد که این کار حکومت جمهوری اسلامی است. اینکه کسی، مثلا خاتمی، بیاید ادعا کند که من خبر نداشتم، خوب این دفاعیه آن منتهم در آن دادگاه است. ولی تا قبل از چنان دادگاهی، تنها حرف صحیح، حقیقی و انسانی اینست که این دولت را مسئول این جنایات بشمارند همانطور که هست.

ایسکرا	
سر‌دبیر:	فاتح شیخ الاسلامی
همکار فنی:	E-Mail: fa.shaik@swipnet.se <p>غلام اکبری</p>

را بترساند؟

منصور حکمت: من فکر میکنم مشکل رویرو شدن با مردم در تمایز با رویرو شدن با یک فرد اینست که مردم، بمشابه توده مردم و یک جمعیت وسیع، یک روانشناسی ثابت و قابل پیش بینی ندارند. روانشناسی توده ای مکانیسم هایش چیز دیگری است و طور دیگری عمل میکند. یک نفر یا ده نفر را ممکن است بشود با این کار ترساند، یا هر فرد را میشود در یک دوره ای از مرگ ترساند، ولی وقتی که صحبت از بیست میلیون، ده میلیون، پنج میلیون یا حتی صد هزار انسان است، آنوقت مکانیسمهای حرکت این توده وسیع با یک فرد کاملا فرق میکند. ممکن است کسی را بکشند و توده مردم دقیقا برعکس انتظار قاتل عمل کنند، ممکن است این دقیقا باعث بشود که مردم قبر خود حکومت را بکنند. این تصور خام، این تصور احمقانه از طرف حکومت که میتواند با کشتن ناراضیان در داخل ایران آن حرکتی که مردم برای واژگونی اش کرده اند را خنثی کند خیلی کوردلی است. بنظر من خیلی بیشعوری و حماقت و نداشتن یک دید تاریخی میخواهد …

رادیو اترناسیونال: … حتی بصورت موقت؟

منصور حکمت: موقت؟ چرا. یک ماه، پانزده روز، بیست روز. ولی نقطه تعادل سر جائی که واقعا هست برمیگردد. شما برای اینکه ببینید مردم چکار میکنند باید به انتظاراتشان از زندگی نگاه کنید، به وضع اقتصادی کشور، به ساختارهای حقوقی، به اوضاع فرهنگی کشور نگاه کنید و خیلی عینی بگوئید آیا این مردم این قالب را بخودشان تحمل میکنند؟ حاضرند در این مناسبات زندگی کنند؟ این فقر را میتوانند تحمل کنند یا نه. اگر کسی به یک عده آدمی که از یک نظام بترسنگ آمده اند شلیک کند، آنها چه بسا سرنگوش کنند. این درسی است که جمهوری اسلامی دارد میرود که بگیرد، همانطور که رژیم شاه گرفت. بنظر من درست است که عده کمی را برای مدت کمی میشود مرعوب کرد، اما عده زیادی را برای مدت طولانی هیچ وقت نمیشود مرعوب کرد.

رادیو اترناسیونال: در حال حاضر کم نیستند از جریانات اپوزیسیون حتی در بین آنهایی که قبلا جزء طرفداران خاتمی دسته بندی میشدند، که خواهان اقدامات رادیکال تر علیه جمهوری اسلامی و بمنظور متوقف کردن موج این ترورها هستند. شما فکر میکنید چه باید کرد؟

منصور حکمت: فکر میکنم طبیعی است که طرفداران خاتمی خواهان ختم ترورها باشند، چون خاتمی خودش مشخصا نماینده آن بخش در حاکمیت است که میخواهد جمهوری اسلامی حتی المقدور بدون ترور و بدون آنتاگونیزم شدید با جامعه و با درجه ای سازش با مخالفین خودش یا بخشی از این مخالفین سر کار بماند. در نتیجه نفس ادامه پیدا کردن سیاست ترور، از نظر خودشان به معنای از بین رفتن فلسفه وجودی خاتمی در جامعه است. اگر بنا باشد جمهوری اسلامی حکومت نظامی برپا کند، یا جوخه های مرگش به جان مردم بیفتند، آنوقت هر آدمی سر کوچه میبرسد پس این خاتمی چکاره است و نقش او چیست؟ آنوقت خاتمی دو روز دیگر هم سر کار نمیماند. اگر بناست خاتمی حتی نقش جناحی خودش را در آن کشور بازی کند، یا طرفدارانش امیدی داشته باشند که همین درجه که بعنوان طرفدار خاتمی امکان ابراز وجود پیدا کرده اند را حفظ کنند، باید به این ترورها اعتراض بکنند و مسجل است که میکنند. اما اینکه

رئیس جمهور مملکت بیاید پلیس و پاسبانها را خبر کند بگوید حتما بروید قاتلان را پیدا کنید و تاکید کند که از آنها میخواهد قاتلان را پیدا کنند، این جوک است. چون هر بچه مدرسه ای در ایران میتواند دست پلیس را بگیرد ببرد در خانه قاتل. من میتوانم به شما بگویم اینها کی هستند و آدرسشان کجاست، برای اینکه اینها روزنامه دارند، مجلس دارند، دولت دارند، علنا دارند میگویند که یک عده ای را میخواهند بکشند. در هر سیستم حقوقی در جهان اگر کسی بقتل برسد و معلوم باشد که در پیروزش یکی او را تهدید به مرگ کرده، اولین کاری که میکنند اینست که میروند آن کسی را که مقتول بیچاره را تهدید به مرگ کرده میآورند و میگویند مثل اینکه شما تهدیدتان را عملی کرده اید؟ یعنی اولین مظنون هر پرونده قتل از نظر حقوقی کسی است که منفعتی در مرگ طرف داشته، که این یعنی خود جمهوری اسلامی، و از آن بالاتر، قبلا طرف را تهدید به مرگ یا اعمال خشونت کرده است. این مثل روز روشن است. بروند حسین الله کرم را بگیرند بنشانند و بخواهند همدستانش را معرفی کند؟ بروند دفتر روزنامه شلمچه دو دقیقه بنشینند، تا قهرمانان آن خط مشی را پیدا کنند و بفهمند قاتلان و چاقوکشان چه کسانی بوده اند. بروند از سید علی خامنه ای بپرسند قاتلین چه کسانی اند. اینها میدانند قاتلین کی ها هستند. خودشان هستند، با کمک نهادهای سرکوب و جاسوسی خود رژیم، ساعت و روز و دقیقه و نحوه زدن و نحوه فرارشان را تعیین کرده اند. همه اینها مسجل است، بنابراین وقتی احمقی مثل خاتمی پا میشود، خواستار شناسایی قاتلین میشود، وقتی مفسرین میگویند آقای رئیس جمهور در فلان اجلاس تاکید کردند که از نیروهای انتظامی میخواهند بروند قاتلان را پیدا کنند، بنظر من فقط دارند سعی میکنند در ذهن خودشان حماقتشان را به مردم تسری بدهند. ولی مردم که احمق نیستند، مردم میدانند چه کسانی اینها را کشته اند. در نتیجه طرفداران خاتمی که اصرار دارند به اینکه قاتلان باید شناسائی بشوند، آنها هم بنظر من جزء این روند تحقیق مردم اند. باید خجالت بکشند. امروز فقط یک حرف میشود زد و آن اینکه جمهوری اسلامی فروهرها را کشته، مخالفین و ناراضیان دیگر را کشته. لیست شصت هفتاد نفره که چیزی نیست. لیست اینها خیلی وسیع تر از این حرفهاست. بسته به امکانات و دسترسی شان، از یک لیست چند هزار نفره هرکس را بتوانند میکشند، چه در داخل و چه در خارج. اینها دانسته است. حالا خبرنگار بی بی سی یا فلان بادمجان دور قلاب چین جمهوریخواه هرچه میخواهد بگوید.

بنظر من الان بر مردم ایران است که به این حرفها گوش ندهند و یکصدا بگویند که این کار رژیم اسلامی است و به همین دلیل محکومش کنند.
رادیو اترناسیونال: اقداماتی که خود حزب در این زمینه انجام میدهد چه خواهد بود؟

منصور حکمت: راستش من فکر میکنم عکس العمل ما و همینطور عکس العمل خیلی های دیگر به این قضیه ضعیف و ناکافی بود. ما در چند کشور تظاهرات گذاشتیم ولی بنظر من درک نادرستی که شاید در صفوف ما هم عمل کرده باشد و شاید برای دیگران هم عمل کرده باشد، این است که گویا چون فروهر در ابتدا وزیر کار جمهوری اسلامی بوده، یا در دوران جوانی اش عضو یک سازمان دست راستی بوده و اصلا همین الان هم حزب ملت ایران یک سازمان ناسیونالیستی است، مرگش نباید با آن شدت و حرارتی مورد عکس العمل

ما قرار بگیرد که برای مثال مرگ یک سوسیالیست یا یک کمونیست یا یک فرد آزاداندیش در آن جامعه. بنظر من این تلقی صحیحی نیست، ما در یک نبرد هستیم با جمهوری اسلامی و این ترورها بخشی از جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم است، علیه ماست و همه کسانی که در آن مملکت آزادی میخواهند. شنیع بودن و فجیع بودن این قتل یک نمایش از خصلت جمهوری اسلامی است. ما باید در این شرایط نیروی عظیمی را به میدان بیاوریم و رژیم را از این کارش پشیمان کنیم. مهم نیست چه کسی را کشته اند، مهم نیست کسی که کشته شده خودش در یک دوره ای چقدر توهم داشته به این رژیم. رفته اند خانه دو نفر بجرم ناراضی بودن از وضع مملکت با کارد سلاخی شان کرده اند و آمده اند بیرون، دو نفر که حق حیات داشته اند، حق ابراز نظر داشته اند. و این سمبل موجودیت جمهوری اسلامی است. اعتراض کردن علیه این وضعیت به داغ ترین و پرحرارت ترین وجه، بمعنی تایید خط مشی سیاسی داریوش فروهر یا هر قربانی دیگر این جنایات نیست. بمعنی نشان دادن اعتراض به نفس نظام اجتماعی کثیفی است که در آن آدمها را بجرم ناراضی بودن سلاخی میکنند. بنظر من، ما مبیایست خیلی قاطع تر از این عمل میگردیم. در ایران هیچ سازمانی نیست که بتواند حرکتهای وسیع سازمان بدهد و هر کس هم چنین ادعائی بکند دارد صرفا بازارگرمی میکند، ولی در خارج کشور که تناسب قوا بنفع اپوزیسیون است و فضا میتواند دست اپوزیسیون باشد بنظر من مبیایست روزگار رژیم را سیاه میگردیم. هنوز هم باید بکنیم. کاری باید بکنیم که شبه دیپلمات ایرانی را در خارج کشور بعنوان یک قاتل نگاه کنند، باید جرات نکنند سفارتشان را باز نگه دارند. باید جرات نکنند دهنشان را باز کنند، تا چه رسد به اینکه از پانلهای بی بی سی سر در بیاورند و مورد مصاحبه رادیوهای دولتهای غربی قرار بگیرند. و تازه بحث آقای خاتمی "معتدل" و "مبیانه رو" هنوز هم ورد زبان رسانه های غربی باشد. رفتار این رسانه ها واقعا خجالت آور است. من فکر میکنم خیلی بد عمل شد. فکر میکنم در پی قتل فروهرها و بعد کسان دیگر، در مجموع با همه اعتراضی که علیه آن شد، رژیم جمهوری اسلامی جواب دندان شکنی را که مبیایست از مردم نگرفت، بخصوص در خارج کشور که تناسب قوا بنفع ماست.

رادیو اترناسیونال: بله، در پایان اگر شما مطلبی میخواهید مطرح بکنید بفرمایید.

منصور حکمت: میخواهم توجه شنوندگان شما را به چند نکته جلب کنم، یکی اینکه اعتراض علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور معمولا روی دوش گروههای سیاسی بوده. الان باید این وضع تغییر بکند. میتینگ ها و تظاهراتهای گروههای سیاسی در خارج کشور در مجموعه های چند ده نفره و چند صد نفره صورت میگیرد، در صورتیکه در شهری که این تظاهرات در آن صورت میگیرند چه بسا چندین هزار و گاهی چندین ده هزار انسان وجود دارند که از ایران فرار کرده اند آمده اند یک محیط دیگر برای اینکه محیط ایران را قابل تحمل نبدانسته اند و برایشان قابل تجسم است که مردم ایران چه میکشند. الان وارد دوره ای جدیدی شده ایم. بنظر من باید رویمان را پکنیم به کل کسانی که آن نکبت آباد و این رژیم را میشناسند که به میدان بیایند. تظاهراتهای علیه این حکومت باید چندین هزار نفره باشد. بنظر من باید یک هوشیاری و حساسیت سیاسی میان تمام خانواده های از ایران آمده بوجود بیاید، بطوریکه مبارزه علیه

جمهوری اسلامی در خارج دیگر فقط یک مبارزه سازمانی نباشد، یک مبارزه توده ای و مردمی باشد. نکته دوم اینکه حمله جدی مان را روی دولتهای غربی و رسانه های غربی و ایرانیان "اهل میدیایی" که در این رسانه ها کار میکنند و وظیفه شان چیزی جز مشاطه گری و توجیه کردن این حکومت از مجرای حلقه خاتمی نیست بگذاریم. بنظر من باید آبرویشان را ببریم. تا جرات نکنند این برنامه ها را بخورد مردم بدهند، تا جرات نکنند بگویند "این ترورها برای چوب گذاشتن لای چرخ آقای خاتمی بود"، حرفی که بی بی سی رو به مردم میزند، خجالت آور است! و نکته آخر اینکه یک وجه مبارزه، مبارزه علیه جنبشهای کثیف اسلامی است. کسانی که سرشان را بلند کرده اند تا به این جنبش ها حرفی بزنند فتوای اعدام گرفته اند، منتها ما چون فتوا را از قبل داشته ایم بگذارید من اینجا راحت این حرف را بزنم. فرق هست بین اسلام بمشابه یک ساختار و نهاد اجتماعی، بعنوان یک اعتقاد دینی که از دیرباز وجود داشته و ارتجاعی است و ما میخواهیم با آگاهگری افشا و منزوی اش بکنیم، با جنبش کثیف سیاسی ای که در سه دهه اخیر تحت پرچم اسلام راه افتاده و جز سربریدن، آدم کشتن، توی قفس کردن، محروم کردن و لگدمال کردن مردم کاری نکرده. از الجزایر همین دیروز تا قتلهای اخیر در تهران تا ماجرای مردم افغانستان. ببینید مردم پاکستان به چه روزی افتاده اند. برخاستن علیه این جنبش که تنها یک جنبش کثیف و شنیع، که در دو سه دهه اخیر پاگرفته و هرچند عمرش را از نظر اجتماعی_تاریخی کرده است ولی هنوز هست و دارد خون میریزد، حیاتی است. بنظر من خیلی قاطع، همانطور که مردم علیه فاشیسم بلند شدند، علیه این جنبش ها و حرکتهای اسلامی در هر نقطه جهان باشد باید بلند شد و این یکی از نکات مورد تاکید حزب کمونیست کارگری در این دوره است. ما خودمان را نه فقط رویروی اسلام بعنوان یک اندیشه ارتجاعی و عقیمانده و افیونی، بلکه مقابل یک جنبش اسلامی سیاسی قرن بیستوی می بینیم که دارد در منطقه وسیعی از جهان کشتار میکند. و کاری کرده که حتی در جهان غرب که برای مثال سنتهای لیبرالی و آزاداندیشانه داشته، از ترس تروریسم آن، میدان به دست یک عده راسیست افتاده که با بحث نسبیت فرهنگی و آوانس دادن و معامله و امثالهم امیدوارند مثلا تروریسم اسلامی را مهار کنند. یک نقش مایی که از ایران آمده ایم و ماهیت این دین را میشناسیم، ماهیت این جنبش اسلامی را میشناسیم، اینست که به جهان بگوئیم که این جنبش چیست و چرا باید با آن در افتاد. من دعوتم از همه مردمی که از ایران آمده اند و لاجرم این پدیده را میشناسند اینست که علیه آن بلند بشوند. میشود شکست شان داد. میشود آنها را عقب راند و بنظر من یکی از نتایج شکست جمهوری اسلامی در ایران همین خواهد بود که سر جنبش اسلامی در یکی از نقاط مهم آن به سنگ بخورد. .. و بالاخره باید تشکر بکنم از وقتی که به من دادید.

رادیو اترناسیونال: ما هم تشکر میکنیم از شما.

برنامه آزمایشی
<div><div></div><div><div>رادیو اترنناسیونال</div></div></div>
<div><div></div><div><div>صدای حزب کمونیست کارگری ایران</div></div></div>
۵شنبه وجمعه ها۵/۷ تا ۳/۵
بعد از ظهر بوقت تهران
موج کوتاه SW
۲۵ متر

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

آکسیون‌های حزب کمونیست کارگری در خارج کشور

در اعتراض به جنایات رژیم اسلامی: **انگلستان:** سه شنبه ۲۲ دسامبر فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در اعتراض به رژیم تروریست جمهوری اسلامی ایران، دفتر "ایران ایر" هواپیمائی رژیم اسلامی ایران در لندن را اشغال کردند. فعالین حزب عکس‌های سران رژیم اسلامی را پانین کشیده و پاره کردند و سپس شعارهای "مرگ بر رژیم تروریست اسلامی ایران" و "زنده باد حکومت کارگری" را بر دیوارهای دفتر هواپیمائی نوشتند و پس از انجام آکسیون موفق از محل خارج شدند.

آلمان: دوشنبه ۲۱ دسامبر فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در اعتراض به حمایت دولت آلمان از رژیم جمهوری اسلامی دفاتر احزاب حاکم را در ۵ شهر برلین، کلن، هامبورگ، کاسل و دورتموند به مدت چند ساعت به اشغال خود در آوردند. فعالین حزب در برلین، کلن و کاسل دفاتر حزب سبزها و در هامبورگ و دورتموند دفاتر حزب سوسیال دمکرات را با در دست داشتن پلاکاردهائی علیه حمایت دولت آلمان از رژیم ایران و خاتمی به اشغال خود در آوردند. روی پلاکاردها نوشته شده بود: پینوشه بخاطر قتل ۳ هزار نفر تحت تعقیب است، اما سران رژیم ایران با وجود ۱۵۰ هزار اعدام مورد حمایت قرار میگیرند! سفارت جمهوری اسلامی باید تعطیل شود و نمایندگان این رژیم باید از آلمان اخراج شوند! رسانه های آلمان باید واقعیت را منعکس کنند! خاتمی یکی از سران رژیم جنایت است چرا از او حمایت میکنید؟ فعالین حزب همچنین نامه آذر مدرسی دبیر تشکیلات آلمان در اعتراض به دولت آلمان را به نمایندگان ایالتی این احزاب داده و ضمن تاکید بر مسئول بودن رژیم ایران در ترورهای اخیر، خواهان اعلام موضع رسمی آنان علیه رژیم ایران شدند. آنها همچنین اعلام کردند که حمایت و سکوت دولت آلمان در مقابل ترورهای اخیر، این دولت را در جنایات رژیم اسلامی ایران شریک میکند و در صورتیکه سیاست دولت آلمان تغییر نکند و سران رژیم بعنوان مسئولین مستقیم این ترورها رسماً توسط دولت آلمان محکوم نگردند، ما آکسیونهای اعتراضی خود را علیه دولت آلمان به اشکال وسیعتری ادامه خواهیم داد. مسئولین این احزاب اعلام کردند که آنان نیز سیاست دیالوگ انتقادی را در رابطه با ایران قبول ندارند و بر ضرورت تغییر سیاست دولت آلمان و فشار به رژیم ایران توافق دارند. حزب سبزها در شهرهای کلن و برلین حمایت خود را کتبا اعلام کردند. در جریان آکسیون اعتراضی در دورتموند، دفتر حزب سوسیال دمکرات حین مذاکره پلیس را در جریان قرار دادند. با آمدن پلیس به محل آکسیون فعالین حزب دست به تظاهرات خیابانی زدند. پلیس و نمایندگان حزب سوسیال دمکرات با دیدن این عکس العمل تند و انعکاس آن در میان مردم، تظاهرکنندگان را دعوت به صحبت کردند. فعالین حزب ضمن اعتراض به این اقدام اعلام کردند که این عمل ادامه حمایت دولت آلمان از رژیم جنایتکار ایران است و ما آنرا افشا خواهیم کرد. نماینده گروه کاری سالمندان دورتموند که شاهد ماجرا بود کتبا از حزب ما و خواست ما برای تغییر سیاست دولت آلمان حمایت کرد. خبر

کارگری، تلویزیون فارسی زبان دورتموند نیز مصاحبه با همایون گدازگر کادر حزب و عضو کمیته آلمان حزب و رادیو آلمانی زبان صدای آزاد در شهر کاسل مصاحبه با فواد درویش کادر حزب و عضو کمیته آلمان را پخش کردند. مطالبات این آکسیون عبارت بودند از:

— محکوم کردن رسمی دولت ایران بعنوان مسئول ترورهای اخیر در ایران
— بستن سفارت و کنسولگری های ایران در آلمان،
— اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از آلمان

در حمایت از آکسیون حزب کمونیست کارگری، حزب سبزها طی یک اطلاعیه مطبوعاتی به امضای آن‌داس شولتسه اعلام کرد: فعالین حزب کمونیست کارگری ایران امروز دفتر مرکزی حزب سبزها را با اشغال خود در آوردند. فعالین این حزب می خواهند بدین وسیله خواستها و مطالبات خود را بخصوص در رابطه با ترورهای اخیر نویسندگان و اعضای اپوزیسیون در ایران اعلام دارند. در مذاکره رهبری حزب سبزها در برلین با فعالین این آکسیون طرفین توافق داشتند که دفاع و حراست از حقوق بشر بخصوص در این مورد می‌باید که فاکتور اصلی سیاست دولت سبزها \سوسیالدمکراتها در آلمان باشد. حزب سبزها حمایت خود را از خواستهای اپوزیسیون ایرانی در تلاش برای استقرار مناسباتی دمکراتیک در ایران و آزادی تمام زندانیان سیاسی اعلام می‌دارد.

همچنین حزب سبزها در کلن طی اطلاعیه مطبوعاتی خود نوشت: اپوزیسیون ایرانی بعنوان اعتراض دفتر فراکسیون حزب سبزها در شهر کلن را اشغال کردند. سخنگوی پخش مهاجرین حزب سبزها در کلن، "سنگول سنول"، در مورد آکسیون توضیح میدهد: امروز صبح حدود ۳۰ نفر از اعضا حزب کمونیست کارگری ایران دفتر حزب ما را اشغال کرده اند. در پنج شهر دیگر آلمان آکسیون مشابهی در جریان است. این اشغال در رابطه با اتفاقات اخیر ایران، تعقیب و قتل اپوزیسیون، است. ما تعقیب مخالفین رژیم را در ایران محکوم میکنیم و خواهان آنیم که دولت آلمان علیه موج خشونت در ایران دخالت کند. مناسبات دولت ایران با جمهوری اسلامی نیازمند تغییر است. سنگول سنول ۲۱ دسامبر ۹۸

سوئد: سه شنبه ۱۵ دسامبر در اعتراض به ترورهای اخیر توسط رژیم اسلامی در ایران، دفتر مرکزی "ایران ایر" هواپیمائی رژیم اسلامی ایران در شهر استکهلم به اشغال مخالفین چپ و کمونیست رژیم اسلامی و از جمله تعدادی از فعالین حزب کمونیست کارگری در آمد. معترضین عکسهای خمینی و دیگر سران رژیم اسلامی را پانین کشیدند و پاره کردند و پس از نوشتن شعار "مرگ بر رژیم تروریست جمهوری اسلامی" از محل خارج شدند. اشغال دفتر مرکزی هواپیمائی ایران ایر در استکهلم انعکاس گسترده ای در رسانه های فارسی زبان بین المللی و محلی و رسانه های گروهی سوئد یافت و با استقبال و شادی مردم آزادیخواه در ایران و خارج کشور روبرو شد. تعداد قابل توجهی از سازمانها و نهادهای سیاسی و شخصیت‌های مخالف رژیم، طی اطلاعیه هائی از اشغال دفتر هواپیمائی جمهوری اسلامی در استکهلم حمایت کردند.

— دوشنبه ۲۱ دسامبر، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در استکهلم، در اعتراض به سیاست موسسات خبری سوئد در قبال ترورهای اخیر ایران، دفتر روزنامه داگنژنیتر را به مدت یک و نیم ساعت اشغال کردند. فعالین حزب با پخش اطلاعیه‌ای با

عنوان "حقیقت را به مردم بگویند" و در دست داشتن پلاکاردهای افشاگرانه اعتراض خود را نسبت به سیاست موسسات خبری سوئد، از جمله سیاست سازشکارانه این روزنامه نسبت به جمهوری اسلامی و قتل‌های اخیر در ایران بیان داشتند.

— سه شنبه ۲۲ دسامبر بغراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران— واحد مالمو، تظاهراتی در اعتراض به تروریسم جمهوری اسلامی و سکوت دولت و رسانه‌های سوئد نسبت به ترورهای اخیر در ایران در میدان مرکزی شهر مالمو برگزار شد. تظاهر کنندگان ضمن محکوم کردن ترورهای اخیر توسط رژیم جنایتکار اسلامی ایران، خواستار محاکمه سران رژیم بعنوان عاملین ترورهای اخیر و بسته شدن سفارت رژیم در سوئد شدند. انجمن قلم و حزب مارکسیست لنینیستهای انقلابی سوئد با خواندن پیامهائی تروریسم جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

کانادا: در اعتراض به ترورهای اخیر رژیم اسلامی، به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران، روز سه شنبه ۲۲ دسامبر تظاهراتی در جلو سفارت رژیم اسلامی در اتاوا برگزار شد. این تظاهرات با شعارهایی از قبیل مرگ بر جمهوری اسلامی، سفارت اسلامی، این مرکز تروریسم، تعطیل باید کرده و زنده باد سوسیالیسم شروع شد. دارل تینگلی رهبر میلیتانت و سوسیالیست اتحادیه سراسری کارگری پست کانادا و معاونش دیو بلیکنی با شرکت در این تظاهرات به تروریسم رژیم اسلامی اعتراض کردند. دارل تینگلی در سخنان کوتاهی ضمن اعلام حمایت کارگران پست کانادا از مبارزه بر علیه تروریسم رژیم اسلامی خواهان بسته شدن سفارت رژیم در اتاوا شد. وی سخنانش را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی پایان رساند. سخنران دیگر این مراسم حمید محمودی، کادر حزب کمونیست کارگری، جمهوری اسلامی را مسبب این جنایات فجیع دانست و خواهان محاکمه سران رژیم اسلامی در یک دادگاه بین المللی شد. وی همچنین از اتحادیه های کارگری خواست که دولت کانادا را برای بستن سفارت جمهوری اسلامی تحت فشار بگذارند. شیوا محبوبی هماهنگ کننده کمپین دفاع از حقوق زنان در تورنتو سخنران بعدی بود. شروع صحبت‌های وی مصادف شد با خروج چند تن از مزدوران رژیم از سفارت. که با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و پرتاب تخم مرغ از آنها استقبال شد. دخالت پلیس کانادا برای از صحنه خارج کردن یکی از تظاهر کنندگان با اعتراض یکپارچه تظاهر کنندگان خشی شد. این تظاهرات که در آن فعالینی از دیگر سازمانهای چپ شرکت داشتند، با دادن شعارهایی بر علیه رژیم جنایتکار اسلامی در فضایی پرشور و رزمنده پایان یافت.

فنلاند: سه شنبه ۲۲ دسامبر، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و جمعی از آزادیخواهان ایرانی، در اعتراض به حمایت دولت فنلاند از رژیم اسلامی ایران همزمان دفاتر احزاب حاکم، حزب سوسیال دمکرات و حزب چپ، را در شهر هلسینکی اشغال کردند. فعالین این حرکت خواهان محکوم کردن رسمی سران رژیم اسلامی بعنوان عاملین ترورهای اخیر در ایران، بستن سفارت جمهوری اسلامی و اخراج نمایندگان این رژیم از فنلاند شدند. هنگام اشغال دفاتر حزب سوسیال دمکرات و حزب چپ، دهها اطلاعیه حزب و آئینشی که خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی را بعنوان عاملین و مسئولین ترورهای اخیر در ایران معرفی میکند به درب و دیوار این دفاتر نصب گردید.

سخنرانی‌ها

— مینا احدی ۶ دسامبر بدعوت خانه حزب کمونیست کارگری در برمن آلمان درباره وضعیت زنان در کشورهای اسلام

زده — اعظم کم گویان کادر حزب و هماهنگ کننده کمپین دفاع از حقوق زنان در بریتانیا در شب همبستگی با زنان در کردستان عراق که از سوی کمیته زنان پناهنده کرد در بریتانیا در ۱۹ دسامبر برگزار شد، در مورد وضعیت زنان در کردستان عراق و ضرورت حمایت و همبستگی با آنان به زبان انگلیسی سخنرانی کرد.

— جعفر رسا درباره "جایگاه مارکس در پایان قرن بیستم" در کلن آلمان ۲۷ نوامبر ۹۸
— کیوان جاوید ضمن صحبت خود در جلسه ای که ۱۹ دسامبر از طرف کانون نویسندگان برای بزرگداشت قربانیان ترورهای اخیر در نیویورک برگزار شد بر ضرورت مبارزه قاطع و پیگیر علیه جمهوری اسلامی و اینکه نباید به رژیم فرصت ابراز وجود در خارج کشور داد، تاکید کرد.

مصاحبه‌ها

— مینا احدی ۱۶ دسامبر با رادیوی صدای ایران در لس آنجلس آمریکا در مورد ترورهای اخیر در ایران و اشغال دفتر هواپیمائی ایران ایر در استکهلم توسط فعالین حزب کمونیست کارگری — جمال طبری کادر حزب کمونیست کارگری سه شنبه ۱۵ دسامبر با یکی از کانالهای تلوزیون دانمارک درباره آکسیون اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی

— علی جوادی ۱۴ دسامبر مصاحبه با رادیو صدای جدید در برنامه حمید میر مظهری پیرامون ارزیابی از ترورهای اخیر جمهوری اسلامی و پیامدهای آن، ۱۵ دسامبر مصاحبه با صدای آمریکا پیرامون اشغال دفتر هواپیمائی جمهوری اسلامی در استکهلم که ۱۶ دسامبر پخش گردید.
— جعفر رسا طی ماههای گذشته ۸ بار با رادیو همبستگی مالمو سوئد و ۳ بار با رادیو انترناسیونال استکهلم درباره مسائل مختلف مصاحبه داشته است که آخرین آنها ۶ دسامبر ۹۸ درباره سیاست رژیم علیه پناهندگان افغانی بوده است.

اطلاعیه‌ها

— آیا سوئد چهره یک جامعه پیشرو را حفظ می کند؟ علیه جداسازی ملی، ثریا شهابی، ۱۸ دسامبر ۹۸
— با جمهوری اسلامی چانه نمی‌توان زد! فرید پرتوی ۱۴ دسامبر ۹۸
— اینجا جوانگاه مجیز گویان رژیم اسلامی نیست! در افشای سفر منوچهر محمدی از جریان‌ات دانشجویی وابسته به رژیم اسلامی ایران به آمریکا، حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته آمریکا، ۲۱ دسامبر ۹۸

— پاسخی به آقای حسین مه‌ری: سانسورچی بودن میاهاتی ندارد! در افشای طرفداری حسین مه‌ری از امثال طبرزدی، منوچهر محمدی و دیگر مجیز گویان رژیم اسلامی و سانسور کمونیستها و حزب کمونیست کارگری از سوی ایشان، حزب کمونیست کارگری ایران — کمیته لس آنجلس ۲۱ دسامبر ۹۸
— ۲۰ سال ما مخفی زندگی کردیم، حالا نوبت آنهاست، درباره موج اعتراضات علیه رژیم اسلامی، نادر بکتاش، ۲۱ دسامبر ۹۸
— نگذاریم جمهوری اسلامی نفس تازه کند! درباره اعتراض به رژیم بخاطر ترورهای اخیر، نادر بکتاش، ۱۵ دسامبر ۹۸
— تا دیر نشده از مردم ایران معذرت خواهی کنید! در افشای حمایت کانال ۱ تلویزیون سراسری فنلاند، از خاتمی رئیس حکومت اسلامی، رضا کمانگر ۱۳ دسامبر

— مرگ بر اسلام و قانون شریعت آن! در افشای قوانین اسلامی مجازات در پاکستان، امیر حسن زاده ۱۵ دسامبر ۹۸
— درباره محکومیت یک انسان در

پاکستان به حبس ابد بجرم "آهانت به قرآن"، ایرج فرزاد، ۱۲ دسامبر ۹۸
— در دفاع از حق پناهندگی، ایران تحت حکومت جنایتکاران اسلامی امن نیست تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- واحد هلند ۱۱ دسامبر ۹۸
— اسلام، نه متشکریم! کیوان جاوید، ۱۲ دسامبر ۹۸، و در همان تاریخ اطلاعیه دیگری درباره پینوشه با عنوان: دشمنان آزادی چه میگویند، ما چه میگوئیم؟

پیام به کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

رفقا و دوستان!
تهاجم وحشیانه جمهوری اسلامی به فعالین سیاسی و فرهنگی-هنری که جزئی از سیاست ایجاد اعراب در کل جامعه است، ضدحمله‌ای نیرومند و پرشور می‌طلبد. واکنش مشتاق، پرشتاب، شهر به شهر و شکل به شکل شما پاسخی شایسته و امیدبخش به این جنایات شنیع بود.

همه چیز گواه اینست که اینبار، هیولای خون‌آشام جمهوری اسلامی، در قامت حقیر دیوانه کف‌هلب آورده ترسیده‌ای که در تاریکی شمشیرش را به هر طرف می‌چرخاند و عریضه می‌کشد تا وحشتش را پنهان کند، به مقابله با آزادی برخاسته است. اما لشگر آزادی، با خیل جوانان و زنان و دست به قلمان پیشرو و کارگران، این توده گسترده و بی‌نام که می‌رود تا در آزادی ذوب شود و جان به کف، ذوب‌شدگان در خدا

و اسلام و ولایت فقیه را به مصاف نهایی بکشاند، قامت راست کرده است. دیگر خم نخواهد شد. تمکین نخواهد کرد. و به رعب پوزخند خواهد زد. ما از طرف همکاران "پوشه"، همبستگی خود را با آکسیونها و مبارزات شما علیه جمهوری اسلامی اعلام می‌کنیم و اعتقاد قلبی داریم که مبارزات رادیکال و بی‌توهم برای آزادی و علیه استبداد، بی‌تردید جنبش آزادی در ایران را تقویت خواهد کرد و در مکان شایسته خود در حافظه جامعه ثبت خواهد شد. پیروز باشید.

سیاوش مدرسی (سردبیر پوشه)
نادر بکتاش (مشاور سردبیر)
۲۰ دسامبر ۱۹۹۸

کنفرانس سالیانه واحد حزب در نورژ

کنفرانس سالانه اعضای حزب در نورژ، روز ۲۸ نوامبر برگزار شد. کنفرانس با سرود انترناسیونال شروع شد و پس از سخنرانی آزاد نسیم مسئول تشکیلات خارج کشور حزب در مورد اوضاع کنونی، موقعیت حزب و حزب و جامعه با بحث و تبادل نظر و سؤال و جواب پیرامون این مسئله و همچنین موقعیت تشکیلات نورژ ادامه یافت. در بخش پایانی کنفرانس انتخابات کمیته کشوری برگزار شد: مرسده قانندی، احمد امیری و صالح فلاحی بعنوان کمیته نورژ حزب انتخاب شدند و در نخستین جلسه کمیته مرسده قانندی بعنوان دبیر کمیته کشوری برگزیده شد.

پرسش منتشر شد

پرسش فصلنامه ای سیاسی، اجتماعی، و علمی است.

پرسش نشریه ای حقیقت جو، کنجکاو و بدبین نسبت به وضع موجود است. پرسش فقط مصاحبه و سوال میکند. از همه صاحب نظران و در هر موردی. پرسش در پرسیدن هیچ تابویی ندارد.

در این شماره از پرسش مصاحبه با این صاحب نظران را میخوانید:

منصور حکمت، داریوش همایون، فرخ نگهدار، داریوش فروهر، گری سیک، استیون فرینکس، حمید تقوایی، رضا براهنی، هادی خرسندی، سوزان روشن، استفانی کونتز، هیلال پیکتین، علی جوادی، نوام چامسکی، باب دیلن و....

مدیر مسئول و سردبیر **علی جوادی**

هیئیت سردبیری **سوزی وایزمن، نادر حقیقیان، علی جوادی**

مدیر اجرایی **سعید پرتو**

پرسش توسط انستیتو پرسش منتشر میشود.

برای تهیه پرسش لطفاً با این آدرس تماس بگیرید.

Porsesh, P.O. Box 19640, Vancouver , BC, V5T 4E7 , Canada
porsesh@yahoo.com

آدرس الکترونیکی

تلویزیون گپ از ماه ژانویه شروع بکار میکند

گپ برنامه تلویزیونی است آزادیخواه، برابری طلب، مدرن و انسانی که از این موضع به بررسی مسایل سیاسی — اجتماعی می نشیند. گپ هر دو هفته یکبار از راجرز کبیبل پخش می شود. اولین برنامه گپ را می‌توانید شنبه ۹ ژانویه ساعت ۱۰ و نیم صبح ببینید. تلویزیون گپ را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

هما ارجمند - محموداحمدی

گرامیداشت

رفیق منصور روشنی، عضو حزب کمونیست کارگری ایران، به علت حمله قلبی در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۸ درگذشت. از دست دادن رفیق عزیز منصور روشنی را از صمیم قلب به بستگان او و به اعضا و دوستداران حزب کمونیست کارگری ایران تسلیت می گوئیم . یادش گرامی باد

مراسم یادبود: ساعت یک بعد از ظهر یکشنبه ۳ ژانویه ۱۹۹۹ (تلفن تماس ۳۳۴۲-۸۱۳)

مکان: دلبروک سنتر، شماره ۶۰۰ خیابان کوئین غربی ساختمان شمالی، اتاق سیدار — نورت ونکوور

Delbrooke Center, 600 West Queen Rd
North Building, Cedar Room, North Vancouver

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران — واحد ونکوور

ایسکرا: درگذشت رفیق عزیزمان منصور روشنی را به بستگان و دوستانش صمیمانه تسلیت میگوئیم و خود را در غم از دست دادن این رفیق عزیز شریک میدانیم.

معرکه گیری یک شوونیست اسلامی ملتزم به ولایت فقیه!

چون مردم به قانون اساسی و نظام رای داده‌اند، ما هم ملتزم به ولایت فقیه و قانون اساسی هستیم!

آقای رفسنجانی نقش بسزایی در گسترش آزادی در ایران داشته است! شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" شعاری غیر دموکراتیک است!

"مردم ما مسلمانند و اسلام در فطرت همه ما جا دارد!"

اخیرا فردی بنام منوچهر محمدی، علمدار یک گروه حاشیه‌ای دانشجویی در ایران، در چند جلسه سخنرانی در آمریکا شرکت کرده است. اراجیف‌اش در ارتباط با رژیم اسلامی با اعتراض و افشاکاری کمونیستها و آزادیخواهان و استقبال پر شور اپوزیسیون طرفدار رژیم و طیف توده‌ایستها و ملیون مواجه شده است.

اقدامش تازگی ندارد! در چهره اپوزیسیون ظاهر شده است. بعضا

میگویند از رهبران "جنبش دانشجویی نوین" در ایران است! واقعیت این است که از سینمزان ردیف اول یک گروه حاشیه‌ای ناسیونالیستی-اسلامی دانشجویی است. گروهی که در اتحاد و در عین حال در رقابت با گروه طبرزدی و جریان "دفتر تحکیم وحدت" بسر میبرد. هر چند که این جریان خود نیز از دل اوپاش ارتجاعی و سرکوبگر "دانشجویان پیروز خط امام" دیروز و "دفتر تحکیم وحدت" امروز بیرون آمده است. جریانی که با سرکوب، کشتار، زندانی کردن و اخراج نسلی از بهترین دانشجویان کمونیست و آزادیخواه، همزمان با تحکیم بندهای هیولای اسلامی، یک تاز فضای دانشگاهها در ایران شد. این جریان محصول و ادامه چنین شرایطی است. در همان قدم اول بوی تعفن ضدیتش با زن و نه فقط زن مدرن و آزاد، مشام را بشدت می‌آزارد. بر طبق گفته خودش در جمعشان، حتی آن زنی که مجیز گوی اسارت خویش در رژیم اسلامی باشد، جایی ندارد. جماعتی کاملا مردانه، گذشته پرست و خالکوبی شده‌اند!

رقابت با "دفتر تحکیم وحدت" تکیه بیشتری بر تعصبات کور و جاهلانه ناسیونالیستی و قومگرا دارد. به لحاظ سیاسی نیز فرصت طلب خرد گرای است، به فردای پس از ولایت فقیه در درون نظام اسلامی نیز می‌اندیشد، لذا سرمایه گذاری معینی بر روی آینده رفسنجانی و چشم انداز محتمل موقعیت آتی او کرده است. در ضمن نیم نگاهی هم به سلطنت طلبها در خارج دارد. معنای تلاش امروز اثبات قابلیتش برای مهار زدن به نیروی دگرگون کننده آزادیخواه و مدرن و ضد اسلامی در جامعه است. این امر در عین حال جوهر رقابتش با جریان طبرزدی نیز هست.

مدتی است که برخی رادیوهای فارسی زبان با سخاوتی ارتجاعی میکروفن‌های خود را بمنظور عوامفریبی و مهندسی افکار عمومی در مقابل امثال او و طبرزدی‌ها و هر جک و جانور مشابه و مجیز گو در ایران قرار داده‌اند. از اینرو در صف نیروهای ریز و نه چندان درشتی قرار دارد

پنجاه سال بعد از "بیانیه جهانی حقوق بشر" "حقوق بشر" و پلیس اش!

دهم دسامبر ۹۸ پنجاهمین سالگرد صدور بیانیه جهانی حقوق بشر بود. در چهارگوشه دنیا از کلیتون گرفته، تا امپراتور ژاپن، تا سران چین و حتی بنگلادش مراسم "بزرگداشت" بجا آوردند. بزرگداشت از چه؟ حتی در همان چهارچوب حقوق بشری هم، همانطور که غالب روزنامه‌ها اعتراف کردند، "چیز زیادی برای تجلیل و رضایت وجود ندارد". در بیشتر دنیا شکنجه، اعدام، سرکوب، بی حقوقی، تبعیض و جنایت حاکم است و همه جا "حقوق بشر" دارد پایمال میشود. کشتار بی‌دلیل سربازان و غیر نظامیان در جنگ خلیج، قتل عام‌های قومی در رواندا و بوسنیا و آذربایجان، کشتارهای وحشیانه اسلامی در الجزایر، جنایات و آدمکشی‌های امثال طالبان و جمهوری اسلامی، اینها تنها گوشه‌ای از "کارنامه حقوق بشر دهه اخیر" هستند. حتی کلیتون مثالهای تکانه‌دهنده‌ای از تبعیض جنون آمیزی که تحت حکومت طالبان بر زنان روا

بیانیه خوانده شد!! _ "این امید را بوجود آورده است که سران دولتها نمی‌توانند در قبال اعمال خلاف قانونی (!) که در دوره حکومت خود انجام دهند، مصونیت داشته باشند". جالب است. در همان کشوری که رای به بازداشت پینوشه داده شد، کسانی چون مارگارت تاجر که دستش تا آرنج در خون کارگر و مردم بیگناه آلوده است، سرشان را بالا گرفته و با افتخار راه میروند. همان فرانسه که به عدم مصونیت جنایتکاران بین المللی چون پینوشه اصرار دارد، خود آماده پهن کردن فرش قرمز زیر پای رئیس جمهور یکی از جنایتکارترین حکومتها یعنی جمهوری اسلامی است. نباید حتی کمترین جنبه مثبت "پیشرفت‌های پنجاه سال گذشته" نادیده گرفته شود. اما در قیاس با اوضاع بی حقوق بشر امروز، این "پیشرفتها" چقدر نازل و رقت انگیز است. بیچاره بشر و حقوقش!

چرا اینطور است؟ آیا بقول برخی محافل بالای بورژوازی اشکال در این است که پلیس جهان کارش را درست انجام نمی‌دهد و "حقوق بشر" را به اجرا در نمی‌آورد؟ این متأسفانه یک

تکذیب کرد! در هفته‌های اخیر، پس از آنکه روشن شد ترورهای پی در پی به مرعوب شدن مردم نینجامیده بلکه برعکس به خشم و اعتراض عمومی علیه رژیم دامن زده است، سران جنایتکار رژیم از خامنه‌ای و خاتمی و رفسنجانی تا رحیم صفوی فرمانده پاسداران که مخالفان را به "سربریدن و گردن زدن" تهدید کرده بود، تا انصار حزب الله که در روزنامه شلمچه با ذکر نام قصد جان مخالفان رژیم را مکررا اعلام کرده بود، یکی پس از دیگری بیشرمانه از تعقیب قتلها و ضرورت شناسایی قاتلان دم زدند! اما این واقعیت که تا به امروز، که بیش از یک ماه از قتل فجیع فروهرها و چند هفته از ترور

که یکی پس از دیگری بجلوی صحنه آورده میشوند، تا شاید موانع متفاوتی برای رویدادهای دگرگون کننده آتی در ایران بتراشند، اما بسرعت افشا میشوند، میسوزند، و به کناری پس زده میشوند. بهرحال، امروز نوبت به این معرکه گیر ملتزم به ولایت فقیه رسیده است تا بساط حماقت مذهبی و ملی و دل‌تک بازی خودش را در دفاع از "رنسانس خاتمی" پهن کند. این جریان کپک زده و قوم پرست، به درجات متفاوت در خدمت حفظ رژیم اسلامی است. مانند تمامی نیروهای طیف خاتمی، چه در حاکمیت و چه در صف اپوزیسیون طرفدار رژیم، در تقلا و کوشش برای تعدیل رژیم بمنظور حفظ و بقای آن است. از اینرو همان آینده در انتظارش است! شک نیست که با در هم شکسته شدن سلطه خفقان اسلامی، و در اولین تحرک جدی نیروهای آزادیخواه، برابری طلب، مدافع حقوق زن و حرمت انسانیت، بستر اصلی تحرک این جریانات بسرعت از میان خواهد رفت، نتیجتا تا سرنگونی کامل رژیم اسلامی دهها بار رنگ عوض خواهند کرد. هرچند که سرنوشت محتومشان تماما

امنیت" است. تا وقتی مالکیت خصوصی بر وسائل زندگی عمومی "مقدس" است، چه کسی میتواند جلوی ایجاد و تداوم حاکمیت سرمایه را بگیرد؟ تا وقتی سرمایه حاکم است و پلیس، دادگاه، روزنامه و تلویزیونش را برای "امنیت" و اقتدار خود بر پامیدارد عملا چه جایی برای آزادی بیان من و شما باقی میماند؟ تا وقتی بر اساس همان حاکمیت مالکیت خصوصی بر ابزار تولید اجتماعی، نیروی کار کلاست و کار گیر آوردن من و شما مشروط به میل و منطق سودآوری سرمایه است، "حق کار" در عمل یک شوخی توهین آمیز به صدها میلیون بیکار سراسر جهان از کار در می‌آید. تا وقتی حق مالکیت حاکم است تبعیض علیه انسانهای دیگر و از جمله تبعیض علیه نیمی از بشریت یعنی زنان به اشکال مختلف (از جمله نوع اسلامی آن) می‌تواند ادامه یابد. حقوق بشری که مبنایش حق مالکیت و امنیت مالکیت، و همینطور تقدس ناسیونالیسم و نظایر اینها است، از همان ابتدا اقتدار جنایتکاران و استثمارگران و بی حقوقی ناگزیر اکثریت عظیم مردم جهان را مهر کرده است. این حقوق بشر بورژوازی

مختاری و پوینده میگذرد، مقامات جمهوری اسلامی هیچگونه اطلاعی درباره مرتکبین مباشر این قتلها نداده اند، به روشنی نشان داده که این آدمکشان "حرفه‌ای و سازمانیافته" جز خود نیروهای سرکوبگر و اطلاعاتی رژیم نیستند.

به حکم دادگاه اسلامی سه جوان در شهر مریوان شلاق زده میشوند

بنا به اطلاعیه کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران (۲۶ آذر ۱۳۷۷ - ۱۷ دسامبر ۹۸) به حکم دادگاه شرع، دختر و پسر جوانی بنام فایزه نیازی و علی محمدی، بخاطر اینکه با هم رابطه جنسی

ضربه، علی محمدی را به هشتاد ضربه و نسرین را به شصت ضربه شلاق محکوم کرده و قرار است این سه جوان قریبا در انتظار عموم در میدان "شیرنگ" شهر مریوان شلاق زده شوند. کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران مردم آزادیخواه مریوان را فراخوانده است که با تمام توان اعتراض جمعی خود از اجرای این مجازات وحشیانه جلوگیری کنند: این سه جوان از نظر پیشرفته دنیای امروز مرتکب هیچ خلافی نشده‌اند، در معرض هیچگونه اتهامی نیستند و باید حق آنها به زندگی آزادانه، محترمانه و بدور از فشار قوانین و سنن ارتجاعی بی چون و چرا تامین گردد.

مشابه سرنوشت جناح خاتمی و کل رژیم منحوس اسلامی است، سرنگونی و محاکمه سران و کارگزاران جنایت پیشه آن! اما در خاتمه کارنامه این جریان سرمایه‌ای جز بی آبرویی و حقارت برای تمامی مدافعین امروزشان بجای نخواهند گذاشت.

امروز مردم برای بزرگ کشیدن رژیم اسلامی و گندزدایی جامعه از طاعون سیاسی قرن بیستم بحرکت در آمده‌اند. این جوهر تحولات جاری شبرین را این جریانات هم بدون کوچکترین شکی درک کرده‌اند، از اینجهت است که به تقلا افتاده‌اند، و به اینطرف و آنطرف روانه شده‌اند. رژیم دو دهه جنایت، رژیم ضدیت با زن، رژیم استثمار، رژیم تجاوز به دختران ۹ ساله، رژیم سنگسار و قصاص دوران آخر عمر خود را سپری میکند. در این حقیقت تردیدی نباید کرد!

علی جوادی

۱۰ دسامبر ۱۹۹۸

برای خودش است که دارد به آن وجهه جهانشمول و ابدی و ازلی میدهد. آنچه را که در این پنجاهمین سالگرد صدور "بیانیه حقوق بشر" باید تاکید کرد اینست که البته کارگران بر هیچ دستاوردی حتی در همان چهارچوب حقوق بشر بورژوازی چشم نمی‌بندند، و حتی برای آن میجنگند. همچنانکه از مثلا حق رای عمومی گرفته، تا وارد شدن حق کار و حق تشکل تا برابری حقوقی زن و مرد در اسنادی مثل "بیانیه حقوق بشر"، محصول مستقیم و غیر مستقیم مبارزه طبقه کارگر بوده است. اما برای رهایی واقعی بشر برای بدست آوردن حقوق واقعا انسانی و بشری باید چهارچوب تنگ سیستم حقوقی مالکیت خصوصی و سرمایه را پشت سر گذارد. برابری و آزادی واقعی بشر کار انقلاب کمونیستی کارگران و بنای جامعه‌ای است که نه بر اساس مالکیت، سود، پول، دادگاه، پلیس و ارتش بورژوازی که بر اساس تعاون و شرکت مستقیم و آزادانه انسانها برای پاسخ به نیازهای فرد و جامعه ساخته میشود.

مصطفی صابر

۱۲ دسامبر ۹۸

خارج از ازدواج داشته‌اند و دختر جوان دیگری به اسم نسرین بخاطر اینکه گویا در آن رابطه نقش داشته است به مجازات شلاق محکوم شده‌اند و قرار است طی روزهای آینده این مجازات حشیانه در ملا عام در مورد این سه جوان اجرا شود. حدود یکسال و نیم پیش در روستای "چور" واقع در حومه شهر مریوان شایع میشود که فایزه نیازی در نتیجه رابطه خارج از ازدواج با علی محمدی حامله شده و سقط جنین کرده است. با پخش این شایعه ملای روستا، رسما علیه فایزه دست به تحریک و جوسازی میزند. پسر و دختر جوان، ناچار روستا را ترک میکنند و به شهر مریوان میروند. اما در آنجا توسط عوامل رژیم دستگیر میشوند و حدود یک سال در زندان میمانند. دادگاه اسلامی اخیرا، فائزه نیازی را به نود

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران			
K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 103137 50471 Köln Germany	BM Box 8927 London WC1N 3XX England	W.P.I Box 719stn.P Toronto. ONT .M5S 2Y4 Canada
Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Account No:6722-5007687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada	
Fax: (1) 416 515 67 22 E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se			

اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران
دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانه‌ها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیتهای سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سئوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید

شماره فاکس کمیته داخل حزب ۳۷۶۹ - ۵۱۵ - ۴۱۶ - ۱